

Structural Analysis of the Semantic Network of the Word Zūr in the Holy Qur'an

Reza Mollazadeh Yamchi¹

Ali Mohammadian²

Abstract

The word zūr (i.e., slant, false, falsehood, lie), which appears five times in the Holy Qur'an (Sūrat al-Kahf, 17; Sūrat al-Ḥajj, 30; Sūrat al-Furqān, 4 and 72; Sūrat al-Mujādilah, 2) is considerably various and rich in meaning. This research is intended to analyze the structure and uncover the conceptual network of the word zūr within the Qur'anic contexts. The significance of this study lies in providing a deeper understanding of the Qur'an's semantic system and clarifying the interconnectedness of its key vocabulary. The research employs a descriptive-analytical method with a structuralist semantics approach and undertakes to delineate semantic network of the word by analyzing the linguistic, Qur'anic, and interpretative data. The key finding of the research is that the seemingly different meanings of zūr form a coherent semantic network centered around the core meaning of "deviation from the main path or standard." In this structure, tazāwarū as in Sūrat al-Kahf, (verse 17) represents a "physical deviation [slanting]," whereas in other verses (Sūrat al-Ḥajj, 30; Sūrat al-Furqān, 4 and 72; Sūrat al-Mujādilah, 2), zūr is used as "moral deviation" in the forms of lies, falsehood, and perjury. This research demonstrates that context, rather than the creator of meaning, activates one of the branches of this semantic network and this structural coherence reveals the Qur'an's high capacity to convey multifaceted concepts from a common root.

Keywords: the Holy Qur'an, zūr, structuralist semantics, semantic network, deviation, falsehood.

1. Postdoctoral Researcher, Qur'an and Hadith Sciences, Ferdowsi University of Mashhad.
(Corresponding author) reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen. mohammadian@buqaen.ac.ir

تحلیل ساختار گرای شبکه معنایی «واژه زور» در قرآن کریم*

رضا ملازاده یامچی^۱

علی محمدیان^۲

چکیده

واژه «زور» در قرآن کریم که در ۵ آیه (کهف: ۱۷، حج: ۳۰، فرقان: ۴ و ۷۲، مجادله: ۲) به کار رفته، از نظر معنایی دارای تنوع و غنای قابل توجهی است. این پژوهش با هدف تحلیل ساختاری و کشف شبکه مفهومی واژه «زور» در سیاق های قرآنی انجام شده است. اهمیت این مطالعه در فهم عمیق تر نظام معنایی قرآن و تبیین پیوستگی لایه های معنایی واژگان کلیدی آن نهفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد معناشناسی ساختارگرا است که با تحلیل داده های لغوی، قرآنی و تفسیری به ترسیم شبکه معنایی واژه می پردازد. یافته کلیدی پژوهش آن است که معانی ظاهراً متفاوت «زور»، یک شبکه معنایی منسجم را حول هسته معنایی «انحراف از مسیر یا معیار اصلی» تشکیل می دهند. در این ساختار، «تَزَاوُرُ» در سوره کهف (آیه ۱۷) مصداق «انحراف فیزیکی» است؛ در حالی که در آیات دیگر (حج: ۳۰، فرقان: ۴ و ۷۲، مجادله: ۲)، «زور» به عنوان «انحراف معنوی» در قالب دروغ، باطل و شهادت ناحق به کار رفته است. این پژوهش نشان می دهد که سیاق، نه خالق معنا، بلکه فعال کننده یکی از انشعابات این شبکه معنایی است و این انسجام ساختاری، ظرفیت بالای زبان قرآن را در انتقال مفاهیم چند لایه از یک ریشه مشترک آشکار می سازد.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، زور، معناشناسی ساختارگرا، شبکه معنایی، انحراف، باطل.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2025.72177.4240

۱. پژوهشگر پسادکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول)

reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir (ORCID: 0009-0001-6593-7545)

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه بزرگمهر قانات، قائن. mohammadian@buqaen.ac.ir

واژه‌شناسی و تحلیل مفاهیم قرآنی، ابزارهایی اساسی برای فهم دقیق نظام معرفتی این متن مقدس به‌شمار می‌روند. قرآن کریم به‌عنوان متن محوری اسلام، از واژگانی با لایه‌های معنایی عمیق بهره می‌برد که شناخت آنها صرفاً به درک بهتر آیات کمک نمی‌کند؛ بلکه به تبیین منسجم آموزه‌های دینی در مسایل معاصر نیز یاری می‌رساند. در این میان، واژه «زور» به دلیل حضور در سیاق‌های متعدد و برخورداری از معانی ظاهراً متفاوتی چون «انحراف فیزیکی»، «کذب»، «باطل» و «شهادت ناحق»، یک نمونه مطالعاتی برجسته برای تحلیل‌های معناشناختی است. این تنوع معنایی، این پرسش بنیادین را مطرح می‌سازد: آیا این معانی متفاوت، مفاهیمی پراکنده و بی‌ارتباط هستند یا در یک نظام معنایی منسجم به یکدیگر پیوند می‌خورند؟ به عبارت دیگر، پرسش اصلی پژوهش این است: شبکه معنایی واژه «زور» در قرآن چگونه سازمان یافته و چه هسته معنایی مشترکی این ساختار را یکپارچه می‌کند؟ پاسخ به این پرسش، جایگاه دقیق این مفهوم کلیدی را در منظومه اخلاقی و حقوقی قرآن روشن خواهد ساخت.

پیشینه تحقیق

بررسی و تحلیل واژه «زور» در متون اسلامی، دارای سابقه‌ای طولانی در دو حوزه اصلی «لغت‌شناسی» و «تفسیر» است که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان رویکردهای سنتی به این موضوع دسته‌بندی کرد. در کنار این دو، رویکردهای مدرن معناشناختی نیز به تحلیل واژگان قرآن پرداخته‌اند که در ادامه به بررسی جایگاه پژوهش حاضر در میان این رویکردها می‌پردازیم.

رویکردهای سنتی: لغت‌نامه‌ها و تفاسیر

در حوزه لغت، کتب مرجعی چون العین فراهیدی (۱۴۰۹ق)، معجم مقاییس اللغة ابن فارس (۱۴۰۴ق) و الصحاح جوهری (۱۳۷۶ق)، به ریشه‌یابی و ذکر معانی متعدد «زور» پرداخته‌اند. این آثار، با ارائه شواهد شعری و کاربردهای مختلف، داده‌های خامی ارزشمندی را فراهم آورده‌اند. در حوزه تفسیر نیز، مفسران بزرگی چون طبری (۱۴۱۲ق)، زمخشری (۱۴۰۷ق) و فخر رازی (۱۴۲۰ق)، در ذیل آیات پنج‌گانه، به تبیین معنای «زور» در سیاق همان آیه پرداخته‌اند.

با وجود اهمیت غیرقابل انکار این منابع، رویکرد آنها عمدتاً «موضع‌نگر» و «تجویزی» است؛ یعنی معنای واژه را در همان آیه مشخص می‌کنند؛ اما به‌ندرت به دنبال ترسیم یک نظام



مفهومی یکپارچه یا «شبکه معنایی» که تمام کاربردهای قرآنی واژه را به یکدیگر پیوند دهد، بوده‌اند. هدف آن‌ها تفسیر آیه بوده، نه ارائه یک مدل معناشناختی از خود واژه.

رویکردهای مدرن و خلأ پژوهشی

در دوران معاصر، مطالعات معناشناختی قرآن رشد چشمگیری داشته است. با این حال، با بررسی پژوهش‌های دانشگاهی و مقالات منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر، مشخص گردید که عمده این تحقیقات یا به تحلیل مفاهیم کلان کلامی (مانند ایمان، کفر، تقوا) پرداخته‌اند، یا نظریه‌های معناشناسی غربی را بر روی دسته‌ای از واژگان آزموده‌اند.

در این میان، یک تحلیل مستقل، جامع و ساختارگرا از شبکه معنایی واژه «زور» که بتواند ارتباط منطقی میان معنای «انحراف فیزیکی» در سوره کهف با معانی انتزاعی «کذب» و «باطل» در سایر آیات را در قالب یک مدل منسجم تبیین کند، به عنوان یک خلأ پژوهشی قابل توجه شناسایی شد.

جایگاه و نوآوری پژوهش حاضر

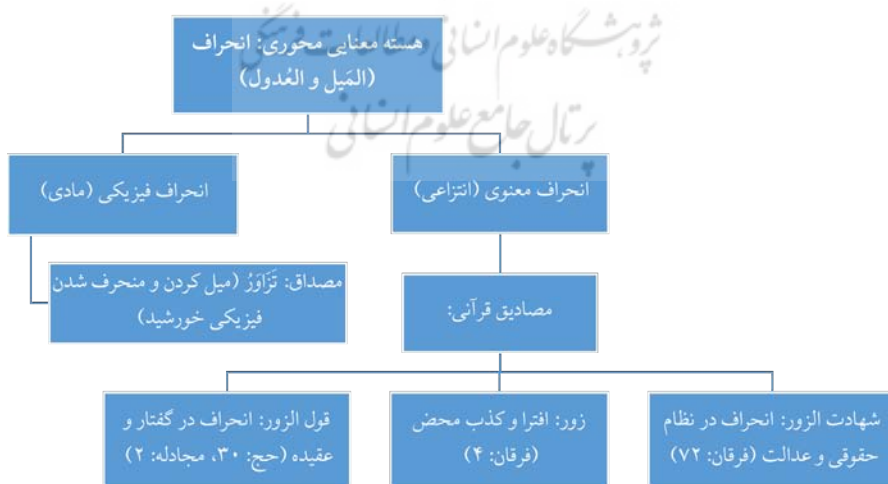
پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از ابزارهای معناشناسی ساختارگرا، این خلأ را پر کند. این مقاله با فراتر رفتن از رویکرد سنتی «گزارش اقوال» و تحلیل «موضع‌نگر»، به دنبال کشف «هسته معنایی» مشترک و ترسیم «شبکه معنایی» واژه «زور» است. نوآوری این پژوهش در ارائه یک مدل یکپارچه است که نشان می‌دهد چگونه تمام کاربردهای این واژه در قرآن، انشعابات از یک ریشه معنایی واحد یعنی «انحراف» هستند.

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف فراتر رفتن از یک گزارش توصیفی و دستیابی به یک تحلیل عمیق ساختاری، از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد معناشناختی بهره می‌برد. انتخاب رویکرد ساختارگرا از آن جهت ضروری است که این رویکرد، به جای بررسی معانی به صورت جزیره‌ای و جدا از هم، بر کشف روابط پنهان و ساختار زیربنایی حاکم بر یک نظام معنایی متمرکز دارد. این دقیقاً همان چیزی است که برای حل معمای واژه «زور» و ارتباط دادن معانی ظاهراً متکثر آن، مورد نیاز است. هدف اصلی، صرفاً گردآوری معانی واژه «زور» نیست، بلکه کشف «هسته معنایی» (Semantic Core) آن و ترسیم «شبکه معنایی» (Semantic Network) این واژه در

سیاق‌های قرآنی است. براین اساس، فرایند تحقیق در سه مرحله اجرا شده است:

۱. گردآوری داده‌ها: در این مرحله، داده‌های موردنیاز از ۳ منبع اصلی استخراج گردید:
 - * کتب لغت معتبر: برای ریشه‌شناسی و شناسایی معانی بنیادین واژه (مانند معجم مقاییس اللغة، الصحاح، و لسان العرب).
 - * متن قرآن کریم: برای استخراج تمامی آیات حاوی واژه «زور» و مشتقات آن.
 - * تفاسیر متقدم و متأخر: برای درک تطور فهم مفسران از این واژه در سیاق‌های مختلف.
۲. تحلیل داده‌ها و کشف روابط: این مرحله، قلب پژوهش را تشکیل می‌دهد و از گزارش صرف فراتر می‌رود. تحلیل‌ها بر اساس روش‌های زیر صورت گرفته است:
 - * تحلیل ریشه‌شناختی: برای شناسایی معنای محوری و بنیادین ریشه «زور» باتکیه بر نظر ابن فارس مبنی بر وجود یک اصل واحد.
 - * تحلیل هم‌نشینی و سیاقی: برای بررسی دقیق تأثیر کلمات و عبارات هم‌نشین و سیاق کلی آیات بر تعیین معنای «زور» در هر کاربرد.
 - * تحلیل تطبیقی و ساختاری: برای مقایسه کاربردهای مختلف واژه، کشف ارتباط منطقی بین آن‌ها و درنهایت، ترسیم یک مدل منسجم از شبکه معنایی «زور» که نشان می‌دهد چگونه معانی مختلف از یک هسته واحد منشعب شده‌اند.



نمودار ۱: شبکه معنایی ساختاری واژه «زور» در قرآن

براساس تحلیل‌های انجام شده، شبکه معنایی واژه «زور» در قرآن کریم را می‌توان در قالب نمودار (۱) به تصویر کشید. این مدل نشان می‌دهد که چگونه هسته معنایی «انحراف» به دو شاخه اصلی «مادی» و «معنوی» منشعب شده و هر یک از آیات مورد بحث، یکی از ظرفیت‌های این شبکه را فعال می‌سازند.

۱. تحلیل ساختاری شبکه معنایی «زور»: از انحراف مادی تا انحراف معنوی

تحلیل واژه «زور» در زبان عربی و قرآن کریم، بیش از آنکه فهرستی از معانی پراکنده باشد، رونمایی از یک شبکه معنایی منسجم و پویاست که حول یک مفهوم محوری شکل گرفته است. این پژوهش باتکیه بر داده‌های لغوی و تفسیری، نشان می‌دهد که انحراف از مسیر یا معیار اصلی به عنوان هسته معنایی (Semantic Core) این واژه عمل می‌کند. همان‌طور که ابن فارس به عنوان یکی از پیشگامان ریشه‌شناسی، ریشه «زور» را یک اصل واحد دال بر «میل و عدول» معرفی می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳: ۳۹۵)،

این در حالی است که غنای موجود در منابع لغوی، پیچیدگی‌های ظرفیتی را نیز آشکار می‌سازد. برای مثال، برخی لغویان به معنای «قوت» برای «زور» نیز اشاره کرده‌اند و آن را برگرفته از زبان فارسی دانسته‌اند (برای نمونه: ابن درید، ۳۲۱ق، ۲: ۳۲۷؛ ازهری، ۳۷۰ق، ۱۳: ۲۴۲).

همچنین در روایات تفسیری، «قول الزور» گاه به مصادیق خاصی چون «غنا و موسیقی لاهی» تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۳۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۳۰۵). قدرت یک تحلیل ساختارگرا در این است که نشان دهد حتی این معانی فرعی نیز در چارچوب کلان «انحراف» قابل تبیین هستند؛ «قوت» می‌تواند به معنای «پیچیدن و تابیدن» برای کسب نیرو (که خود نوعی انحراف از حالت مستقیم است) باشد و «غنای لاهی» نیز انحراف از یاد حق به سمت باطل تلقی می‌شود. بنابراین، این مدل، توانایی پوشش دادن و منسجم کردن داده‌های به‌ظاهر پراکنده را داراست. سایر معانی این واژه نیز به‌مثابه انشعابات از این هسته قابل تحلیل هستند.

در ادامه، این شبکه معنایی را در دو انشعاب اصلی و روابط درونی آن‌ها تحلیل می‌کنیم.

انشعاب اول: انحراف فیزیکی-مادی (مصدق قرآنی: تَزَاوُرُ)

نخستین و ملموس‌ترین لایه معنایی «زور»، به انحراف در سطح فیزیکی و مادی اشاره دارد.



در این حوزه، واژه بر کژی، میل کردن و خروج از یک مسیر مستقیم یا حالت طبیعی دلالت می‌کند.

- شواهد لغوی: لغت‌شناسان برجسته این معنا را به‌عنوان معنای اصلی یا یکی از معانی پایه ثبت کرده‌اند.

- جوهری (۱۳۷۶ق، ۲: ۶۷۲) «زَوْر» را به «میل و انحراف» تفسیر کرده، فراهیدی (۱۷۵ق، ج ۷: ص ۳۷۹) به انحراف فیزیکی در عبارت «مَفَاذَةُ زَوْرَاء» (بیابان منحرف از مسیر) اشاره می‌کند و ازهری (۳۷۰ق، ۱۳: ۲۳۸) آن را انحراف در سینه یا اشیاء می‌داند. این معنا در تعابیر دیگری چون «كَلْبٌ أَزْوَر» (سگی که سینه‌اش کج است) نیز به‌کاررفته است.

- تجلی قرآنی در سوره کهف: این معنای مادی، به شفاف‌ترین شکل خود در قرآن کریم در آیه ۱۷ سوره کهف به‌کاررفته است: ﴿وَتَرَى الشَّمْسُ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ...﴾.

○ در این آیه، واژه «تَزَاوَرُ» به‌اتفاق قاطع مفسران به معنای «تمیل و تنحرف» (میل پیدا می‌کند و منحرف می‌شود) است. سیاق آیه که در حال توصیف وضعیت فیزیکی غار و حفاظت الهی از اصحاب کهف است، این معنا را تثبیت می‌کند؛ خورشید از مسیر مستقیم خود منحرف می‌شود تا نور و حرارت آن به‌طور مستقیم به آنان نرسد.

○ مفسرانی چون طبری (۳۱۰ق، ۱۵: ۱۲۸)، زمخشری (۵۳۸ق، ۳: ۴۵)،

فخر رازی (۶۰۶ق، ۲۰: ۸۹) و علامه طباطبایی (۱۴۰۲ق، ۱۳: ۲۴۵)،

همگی این انحراف فیزیکی را به‌عنوان لطف الهی تأیید کرده‌اند.

بنابراین، حوزه «میل و انحراف» نه یک معنای مستقل، بلکه اولین شاخه از شبکه معنایی «زور» است که به بُعد مادی «انحراف» می‌پردازد.

انشعاب دوم: انحراف معنوی - انتزاعی (مصدق قرآنی: قَوْلُ الزُّورِ)

- پویایی زبان عربی موجب شده است تا مفهوم ملموس «انحراف فیزیکی» به‌صورت

استعاره‌ای به حوزه معنوی و انتزاعی گسترش یابد. اگر انحراف در سطح مادی، «کج شدن» است، انحراف در سطح معنوی، «باطل بودن» و «دروغ گفتن» است. «دروغ» چیزی جز انحراف کلام از «حقیقت» نیست و «باطل» چیزی جز انحراف عقیده یا عمل از «حق» نیست.

- شواهد لغوی: لغویان به صراحت «زور» (با ضم زاء) را به معنای «کذب» و «باطل» دانسته‌اند.
- ابن فارس (۱۴۰۴ق، ۳/۳۹۵) «زور» را همان «دروغ» تعریف می‌کند، زیرا از حقیقت منحرف شده است. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق، ۱/۲۱۷) نیز این پیوند را با تأکید بر انحراف از مسیر حق تبیین می‌کند. این معنا مورد اجماع اکثر منابع لغوی است.
- تجلی قرآنی در آیات متعدد: این انحراف معنوی، کاربرد غالب «زور» در قرآن است.
 - در سوره حج (آیه ۳۰): ﴿وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ در اینجا «قول الزور» به معنای هر سخن منحرف از حقیقت است که مفسران مصادیقی چون «کذب»، «باطل» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹: ص ۱۴)، «شرک» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷/۳۳) و «شهادت دروغ» را برای آن برشمرده‌اند.
 - در سوره فرقان (آیه ۴): ﴿فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا﴾ در این آیه، «زور» در کنار «ظلم» به کاررفته تا دو بُعد عمل کافران را نشان دهد: «ظلم» که انحراف عملی و اعتقادی (شرک یا کفر) است و «زور» که انحراف کلامی (دروغ و افترا به قرآن) است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۲: ۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۷: ۵۶).
 - در سوره مجادله (آیه ۲): ﴿وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا﴾ سخن ظهار، هم «منکر» (ناپسند در شریعت) و هم «زور» (دروغ و منحرف از واقعیت) توصیف شده است، زیرا تشبیه همسر به مادر، یک ادعای باطل و کذب است (طبری، ج ۱۷: ص ۲۳؛ زمخشری، ج ۳: ص ۵۳۸).



تحلیل روابط درون شبکه‌ای و تطور معنایی

یک تحلیل معناشناختی کامل، به تبیین روابط بین این حوزه‌ها می‌پردازد. همان‌طور که نشان داده شد، این معانی در یک رابطه طولی و عرضی با یکدیگر قرار دارند:

- رابطه طولی (تطور معنایی): یک تطور از معنای «مادی» به «معنوی» رخ داده است. مفهوم بنیادین «انحراف فیزیکی» (کج شدن) به عنوان یک استعاره پایه (conceptual metaphor) عمل کرده و به مفهوم «انحراف از حق و حقیقت» (دروغ و باطل) تعمیم یافته است. این پیوستگی، وحدت معنایی واژه را با وجود تنوع ظاهری مصادیق، تضمین می‌کند.

- رابطه عرضی (سلسله مراتب معنایی): در حوزه انحراف معنوی نیز یک سلسله مراتب وجود دارد:

- «زور» به معنای کلی «باطل» و «کذب»، مفهومی عام است.
- «قول الزور» (سخن باطل)، شکل خاصی از «زور» است که در حیطه گفتار ظاهر می‌شود.
- «شهادت الزور» (شهادت دروغ) که در آیه ۷۲ سوره فرقان آمده ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾، یک مصداق حقوقی و اجتماعی بسیار مشخص از «قول الزور» است که به دلیل پیامدهای ویرانگر آن بر عدالت، به طور خاص مورد تأکید قرار گرفته است.

معانی فرعی و مجازی: حتی معنای فرعی «قوت و غلبه» که برخی لغویان به آن اشاره کرده‌اند، در این شبکه قابل تبیین است. این معنا می‌تواند از دو طریق به هسته «انحراف» متصل شود: یا به دلیل تأثیر زبان فارسی (ابن درید، ۳۲۱ق، ج ۲: ص ۳۲۷؛ ازهری، ۳۷۰ق، ۲۴۲/۱۳)، یا به صورت مجازی؛ زیرا «قوت» گاهی از طریق «پیچیدگی و انحراف» (مانند قدرت یک طناب که از تابیده شدن و انحراف الیافش حاصل می‌شود) به دست می‌آید یا برای تحمیل «باطل» (زورگویی) به کار می‌رود که خود نوعی انحراف از عدالت است.

در نهایت، این تحلیل نشان می‌دهد که واژه «زور» در قرآن یک مفهوم چندلایه اما منسجم

است که تمام کاربردهای آن، از انحراف خورشید تا شهادت دروغ، در یک چارچوب مفهومی واحد مبتنی بر «انحراف» قابل فهم و تبیین است

۲. تحلیل مصادیق قرآنی در شبکه معنایی «زور»

پس از تبیین چارچوب نظری و ترسیم مدل شبکه معنایی «زور» که بر هسته «انحراف» استوار است، در این بخش به تحلیل کاربرد این واژه در مصادیق قرآنی آن می‌پردازیم. هدف این بخش آن است که نشان دهیم چگونه هر یک از ۵ آیه‌ای که واژه «زور» یا مشتقات آن را دربر دارند، به‌روشنی در یکی از دو انشعاب اصلی این شبکه معنایی (انحراف مادی یا انحراف معنوی) قرار می‌گیرند.

این تحلیل نشان خواهد داد که سیاق هر آیه، چگونه یکی از ظرفیت‌های معنایی موجود در این شبکه را فعال کرده و معنای دقیق واژه را در آن کاربرد خاص مشخص می‌سازد. آیاتی که به‌عنوان نمونه‌های مطالعاتی بررسی خواهند شد عبارت‌اند از: کهف (آیه ۱۷)، حج (آیه ۳۰)، فرقان (آیات ۴ و ۷۲) و مجادله (آیه ۲).

آیات مرتبط با حوزه معنایی «میل و انحراف»

در قرآن کریم، تنها یک آیه به‌طور صریح به کاربرد ریشه «زور» در معنای انحراف فیزیکی و مادی اشاره دارد. این کاربرد منحصر به فرد در سوره کهف و در توصیف وضعیت شگفت‌انگیز غار اصحاب کهف به‌کاررفته است که در ادامه به تفصیل تحلیل می‌شود.

تحلیل مصداق انحراف مادی: واژه «تَزَاوَرُ» در سوره کهف

در این آیه، معنای دقیق واژه «تَزَاوَرُ» بیش از هر چیز از طریق تحلیل ساختار زبان‌شناختی خود آیه، یعنی سیاق (Context) و کلمات هم‌نشین (Collocations)، روشن می‌شود. سیاق کلی آیه، یک توصیف کاملاً فیزیکی و تصویری از موقعیت غار نسبت به حرکت خورشید است. حضور کلماتی چون «شمس»، «طلعت»، «غربت»، «کهف»، «ذات الیمین» و «ذات الشمال»، یک میدان معنایی مادی، مکانی و جهت‌دار ایجاد می‌کند که به‌طور طبیعی، فعل «تَزَاوَرُ» را به یک



کنش فیزیکی سوق می‌دهد. این تحلیل با بررسی همنشینی واژه تقویت می‌شود؛ فعل «تَزَاوَرُ» با حرف اضافه «عَنْ» در عبارت «تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ» به کار رفته است که بر معنای «فاصله گرفتن»، «دوری گزیدن» و «منحرف شدن از چیزی» دلالت دارد. بنابراین، تحلیل مستقیم متن نشان می‌دهد که «تَزَاوَرُ» الزاماً به «انحراف و میل فیزیکی خورشید از غار» اشاره دارد تا اصحاب کهف از حرارت و نور مستقیم آن در امان بمانند. این نتیجه که از دل تحلیل زبان‌شناختی آیه به دست می‌آید، همان دیدگاهی است که مورد اتفاق نظر لغویان و مفسران برجسته نیز قرار دارد. لغویانی چون ابن فارس (۱۴۰۴ق، ۳/۳۹۵) و جوهری (۱۳۷۶ق، ۲/۶۷۲) ریشه آن را به «میل و عدول» بازگردانده‌اند و مفسران شاخصی چون طبری (۳۱۰ق، ۱۵:۱۲۸)، زمخشری (۵۳۸ق، ۳:۴۵) و فخر رازی (۶۰۶ق، ۲۰:۸۹) نیز بر همین معنای انحراف فیزیکی خورشید تأکید کرده‌اند.

تحلیل انحراف معنوی: «قول الزور» در سیاق‌های اخلاقی و حقوقی

شاخه اصلی و پرکاربردتر شبکه معنایی «زور»، یعنی «انحراف معنوی»، حاصل تعمیم استعاره از حوزه مادی به حوزه حق و حقیقت است. در این حوزه، قرآن کریم با به کار بردن واژه «زور» در کنار کلماتی چون «قول»، «شهادت»، «ظلم» و «منکر»، ابعاد مختلف این انحراف را در سیاق‌های گوناگون برجسته می‌سازد. تحلیل همنشینی واژگان در آیات زیر، این پویایی معنایی را به خوبی آشکار می‌کند.

«قول الزور» به مثابه انحراف از توحید و صداقت در مناسک (حج: ۳۰)

در این آیه، نهی از «قول الزور» در سیاق آیات مربوط به مناسک حج قرار گرفته است؛ یعنی در اوج یک عبادت توحیدی که هدف آن خلوص کامل برای خداوند است. این سیاق عبادی و توحیدی، کلید فهم عمیق «قول الزور» در این آیه است. در چنین فضایی، بزرگ‌ترین «انحراف از حقیقت»، شرک ورزیدن به خداوند است. بنابراین، «قول الزور» در وهله اول به هر سخنی اطلاق می‌شود که اساس توحید را خدشه‌دار کند، که مصداق بارز آن در آن زمان، «تلبیه مشرکانه» بود که در کنار نام خدا، برای بت‌ها نیز جایگاهی قائل می‌شد. افزون‌براین، از آنجاکه حج یک اجتماع بزرگ انسانی با روابط مالی و اجتماعی است، «قول الزور» به انحرافات دیگری

چون «شهادت دروغ» در معاملات و هر نوع «کذب و افتراپی» که صدق و عدالت حاکم بر روابط مؤمنان را نقض کند نیز تعمیم می‌یابد. این تحلیل مبتنی بر سیاق، به‌خوبی روشن می‌سازد که چرا مفسران برجسته‌ای چون طبرسی (۱۳۷۲ش، ج ۷: ص ۳۳) و ابن‌عاشور (۲۰۰۸م، ۲۳/۱۶) «شُرک» را مصداق اصلی دانسته‌اند و مفسران دیگری چون فخر رازی (۶۰۶ق، ۲۱: ۵۶) و علامه طباطبایی (۱۳۹۰ق، ۳۱۲/۱۴) بر ابعاد گسترده‌تر آن شامل «کذب» و «شهادت باطل» نیز تأکید کرده‌اند. در واقع، اینها مصادیق مختلفی از یک مفهوم واحد هستند: انحراف گفتار از مسیر حق و حقیقت در حریم امن الهی.

تحلیل همنشینی «ظلم» و «زور» در افترا به قرآن (فرقان: ۴)

سیاق این آیه، یک جدال کلامی و پاسخ به ادعای کافران است که قرآن را «افک» و «افترا» می‌خواندند. قرآن در پاسخ، عمل آن‌ها را با دو واژه «ظلم» و «زور» توصیف می‌کند: ﴿فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا﴾. این همنشینی، یک تحلیل دوسطحی از گناه آن‌ها ارائه می‌دهد:

- «ظلم» این واژه که در لغت به معنای «قراردادن چیزی در غیر جایگاه خود» است (ابن‌فارس، ۱۹۷۹ق، ۴: ۲۹۰)، به بُعد هستی‌شناختی و اعتقادی عمل کافران اشاره دارد. آن‌ها با نسبت دادن کلام الهی به بشر، جایگاه قرآن را به خطا تعریف کرده و مرتکب یک بی‌عدالتی عظیم در نظام باور و معرفت شده‌اند. این همان چیزی است که مفسرانی چون طبرسی (۱۳۷۲، ۷: ۵۶) و طباطبایی (۱۴۱۷ق، ۱۵: ۴۵) از آن به «شُرک» و «کفر» تعبیر کرده‌اند.

- «زور»: این واژه، همان‌طور که در شبکه معنایی تبیین شد، به بُعد کلامی و محتوایی عمل آن‌ها اشاره دارد. ادعای آن‌ها مبنی بر ساختگی بودن قرآن، یک «انحراف از حقیقت» و مصداق بارز «دروغ» است.

بنابراین، قرآن با این ترکیب هوشمندانه، عمل کافران را از دو جنبه محکوم می‌کند: عمل‌شان از منظر اعتقادی، «ظلم» است و محتوای گفتارشان، «زور» (دروغ). این تحلیل دوجبه‌ای، که مورد توجه مفسرانی چون فخر رازی (۱۴۲۰ق، ۲۲: ۴۵) نیز بوده، عمق و شدت گناه آن‌ها را به نمایش می‌گذارد.



«شهادت زور» به مثابه انحراف از عدالت در جامعه ایمانی (فرقان: ۷۲)

این آیه در میان توصیفات «عباد الرحمن» (بندگان خاص خداوند) قرار دارد که یک منشور اخلاقی و اجتماعی برای جامعه ایده‌آل اسلامی است. در این سیاق، عبارت «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» یک ویژگی برجسته برای این بندگان محسوب می‌شود. فعل «یشهدون» در زبان عربی دارای دو معنای اصلی است: «شهادت دادن (گواهی دادن)» و «حاضر شدن». این ابهام معنایی، عمق این ویژگی اخلاقی را دوچندان می‌کند:

- عدم گواهی به باطل (شهادت دروغ): در چارچوب ساخت یک جامعه مبتنی بر عدالت، «شهادت دروغ» یکی از مخرب‌ترین گناهان اجتماعی است که حق را ناحق و عدالت را تباه می‌کند. از این رو، اولین و مهم‌ترین مصداق «شهادت زور»، پرهیز از گواهی دروغ در محکمه است؛ امری که اجماع مفسران، از جمله طبری (۱۴۲۰ق، ج ۱۹: ص ۴۵) و فخر رازی (۱۴۲۰ق، ۲۲: ۶۷)، بر آن است.
 - عدم حضور در محافل باطل: معنای دوم، یعنی حاضر نشدن در مجالس «زور» (باطل، لهو، شرک و گناه)، بُعد دیگری از شخصیت «عباد الرحمن» را نشان می‌دهد. آنها نه تنها خود عامل باطل نیستند، بلکه با حضورشان نیز به مجالس باطل مشروعیت نمی‌بخشند. این معنا نیز مورد توجه مفسرانی چون زمخشری (۱۴۰۷ق، ۳/ ۱۴۵) بوده است.
- درواقع، این عبارت با بهره‌گیری از ظرفیت زبانی، یک اصل جامع را بیان می‌کند: مؤمن راستین، از «زور» (انحراف از حق) به طور کامل منقطع است؛ نه آن را بازبانش به عنوان «شهادت دروغ» تولید می‌کند و نه با حضورش در «مجالس باطل» آن را تأیید می‌نماید.

سورة مجادله، آیه ۲: «منکر» و «زور» در تحلیل ساختار حقوقی-اخلاقی ظهار

این آیه در مقام محکومیت و الغای رسم جاهلی «ظهار» (تشبیه همسر به مادر برای طلاق) نازل شده است. قرآن این عمل را با دو وصف «مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ» و «زُورًا» معرفی می‌کند که تحلیلی دقیق از ماهیت این حکم ارائه می‌دهد:

- «مُنْكَرٌ»: این واژه در لغت به معنای امری «ناشناخته» و «ناپسند» است و در اصطلاح شریعت، به عملی اطلاق می‌شود که در قانون الهی هیچ جایگاه و اعتباری ندارد (راغب

اصفهان، ۱۴۱۲ق، ۵۳۵). بنابراین، عبارت «منکرا من القول» به بُعد حقوقی و شرعی ظاهر اشاره دارد و آن را به عنوان یک عمل بی اساس و نامشروع در نظام قانون گذاری اسلام معرفی می کند.

- «زور»: این واژه، بُعد واقعی و حقیقی موضوع را هدف قرار می دهد. سخن ظاهر یک «زور» است؛ زیرا یک «انحراف از واقعیت» و دروغ محض است؛ همسر هرگز مادر انسان نمی شود.

قرآن با این دو توصیف، بنیان رسم ظاهر را از دو جهت ویران می کند: این عمل از نظر حقوقی «منکر» و بی اعتبار است و از نظر حقیقی «زور» و دروغ است. این تحلیل دقیق حقوقی - اخلاقی، که مورد اجماع تمام مفسران نیز هست، نشان دهنده رویکرد ریشه ای قرآن در اصلاح ساختارهای اجتماعی است.

۳. ساختار شبکه معنایی «زور» در قرآن

تحلیل های تفصیلی که در بخش پیشین بر روی پنج آیه کلیدی انجام شد، اکنون این امکان را فراهم می آورد تا مدل نهایی شبکه معنایی واژه «زور» را به صورتی یکپارچه و منسجم ترسیم کنیم. این مدل، که یافته اصلی پژوهش حاضر است، نشان می دهد که چگونه معانی ظاهراً متفاوت این واژه، حول یک هسته واحد سازمان یافته و توسط سیاق های گوناگون فعال می شوند. اساس این شبکه بر این واقعیت استوار است که «زور» در قرآن، مفهومی چندلایه اما کاملاً منسجم است.

هسته معنایی محوری: مفهوم «انحراف» نقطه کانونی این شبکه، مفهوم بنیادین «انحراف» است. همان طور که لغویان شاخصی چون ابن فارس ریشه «زور» را یک اصل واحد دال بر «میل و عدول» دانسته اند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳: ۳۹۵)، تمام کاربردهای قرآنی این واژه نیز تجلی ای از این مفهوم محوری هستند. این هسته، خود را در دو انشعاب اصلی مادی و معنوی به نمایش می گذارد:

(۱) شاخه انحراف مادی (فیزیکی) این شاخه، ملموس ترین و عینی ترین لایه معنایی «زور»



را تشکیل می‌دهد که در آن، «انحراف» به معنای فیزیکی و مکانی به کار رفته است.

- مصداق قرآنی: تنها مصداق این شاخه، فعل تَزَاوَرُ در آیه ۱۷ سوره کهف است.
- تحلیل سیاقی: در این آیه، سیاق کاملاً توصیفی و ناظر به پدیده‌های طبیعی است. کلماتی چون «شمس»، «طلوع»، «غروب» و «کهف»، یک میدان معنایی فیزیکی ایجاد می‌کنند که فعل تَزَاوَرُ را به معنای «کج شدن و فاصله گرفتن مسیر خورشید از غار» محدود می‌کند. این انحراف فیزیکی، به عنوان نشانه‌ای از لطف الهی برای حفاظت از اصحاب کهف تفسیر شده است (طبری، ۳۱۰: ۱۵؛ زمخشری، ۵۳۸: ۳؛ ۴۵؛ فخر رازی، ۶۰۶: ۲۰؛ ۸۹).

۲) شاخه انحراف معنوی (انتزاعی) این شاخه، که کاربرد غالب واژه در قرآن است، حاصل یک تعمیم استعاری از مفهوم «انحراف» از حوزه فیزیکی به حوزه حق و حقیقت است. «دروغ» انحراف کلام از واقعیت، «باطل» انحراف عمل از حق، و «ظلم» انحراف از عدالت است. این شاخه خود دارای مصادیق متعددی است که هر یک در سیاقی خاص برجسته می‌شوند:

- در سیاق مناسک (سوره حج، آیه ۳۰): در فضایی توحیدی حج، «قول الزور» به مثابه انحراف از توحید است. بزرگ‌ترین انحراف در این مقام، شرک ورزیدن است و لذا مصداق اصلی آن، سخنان شرک‌آلود دانسته شده است (زمخشری، ۵۳۸: ۳؛ ۸۹؛ فخر رازی، ۶۰۶: ۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷؛ ۳۳). البته این مفهوم به هر سخن باطلی چون شهادت دروغ که قداست آن حریم را بشکند نیز تعمیم می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴؛ ۳۱۲).
- در سیاق جدال کلامی (سوره فرقان: ۴): در پاسخ به افترا به قرآن، ترکیب «ظلم» و «زور» به کار رفته است. در این سیاق، «ظلم» به انحراف اعتقادی و جابه‌جا کردن جایگاه کلام الهی، و «زور» به انحراف کلام از حقیقت (دروغ بودن محتوای ادعا) اشاره دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲؛ ۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷؛ ۵۶).
- در سیاق اخلاق اجتماعی (سوره فرقان، آیه ۷۲): در توصیف «عباد الرحمن»، پرهیز از «شهادت زور» ذکر شده است. این عبارت به دلیل ظرفیت زبانی، هم بر انحراف از عدالت از طریق «شهادت دروغ» دلالت دارد (طبری، ۱۴۲۰: ۱۹؛ ۴۵؛ فخر رازی،

۱۴۲۰ق، ۲۲: ۶۷) و هم بر پرهیز از تأیید باطل از طریق «حضور در مجالس لهو و

باطل» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۱۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱: ۲۱۷).

- در سیاق قانون‌گذاری (سوره مجادله، آیه ۲): در محکومیت ظهار، این عمل «منکر» و «زور» خوانده شده است. «منکر» به انحراف از شریعت و نامشروع بودن آن اشاره دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۳۵) و «زور» به انحراف از واقعیت و دروغ بودن ذاتی این تشبیه (همسر به مادر) (طبری، ۱۴۱۲ق، ۱۷: ۲۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۵۳۸).

نقش نهایی سیاق در فعال‌سازی شبکه معنایی باتوجه‌به این مدل، نقش سیاق نه «ایجاد» یک معنای جدید، بلکه «فعال‌سازی» و «برجسته‌کردن» یکی از ظرفیت‌های معنایی از پیش موجود در این شبکه منسجم است. سیاق طبیعی و مکانی در سوره کهف، شاخه مادی را فعال می‌کند و سیاق‌های دینی، کلامی، اجتماعی و حقوقی در سایر آیات، وجوه مختلف شاخه معنوی را برجسته می‌سازند. این انسجام درونی و پویایی معنایی، که از یک ریشه مشترک سرچشمه گرفته و در سیاق‌های گوناگون به شکلی دقیق به کار می‌رود، نمونه‌ای برجسته از دقت و غنای واژگانی قرآن کریم است.

نتیجه‌گیری

تحلیل معناشناختی واژه «زور» در قرآن کریم، که در این پژوهش با رویکردی ساختاری و تحلیلی انجام شد، به کشف یک شبکه معنایی منسجم و چندلایه منجر گردید که نوآوری اصلی این مقاله محسوب می‌شود. یافته کلیدی این تحقیق آن است که تمام کاربردهای این واژه، از معنای مادی گرفته تا مفاهیم انتزاعی، حول یک هسته معنایی واحد یعنی «انحراف از مسیر یا معیار اصلی» سازمان یافته‌اند. این یافته، درک ما را از واژه «زور» از فهرستی از معانی متکثر به یک مدل مفهومی یکپارچه ارتقا می‌دهد.

نتایج اصلی این تحلیل ساختاری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. کشف هسته معنایی واحد: برخلاف نگاهی که معانی «زور» را پراکنده می‌بیند، این پژوهش نشان داد که ریشه «ز و ر» بر یک مفهوم بنیادین «میل و عدول» دلالت دارد. این «انحراف» به‌عنوان هسته مرکزی، تمام معانی دیگر را به هم پیوند می‌دهد و انسجام معنایی واژه



رادر سرتاسر قرآن تضمین می‌کند.

۲. ترسیم انشعابات اصلی شبکه: این هسته معنایی در قرآن در دو شاخه اصلی متجلی می‌شود: * انحراف فیزیکی-مادی: که مصداق بارز و محسوس آن در آیه ۱۷ سورة كهف با واژه «تَزَاوُرُ» (انحراف فیزیکی خورشید) به‌کاررفته است. این کاربرد، لایه بنیادین و ملموس این شبکه معنایی را تشکیل می‌دهد. * انحراف معنوی-انتزاعی: این شاخه که کاربرد غالب واژه در قرآن است، حاصل تعمیم استعاری «انحراف» از حوزه مادی به حوزه معنوی است. براین اساس، «دروغ و باطل» به‌عنوان انحراف از حقیقت و حق تعریف می‌شوند. کاربرد «زور» در آیات حج: ۳۰، فرقان: ۴ و ۷۲، و مجادله: ۲، همگی در این شاخه قرار می‌گیرند و مصادیقی چون افترا، شهادت باطل و کذب را پوشش می‌دهند.

۳. نقش تحلیل‌گرایانه سیاق: این پژوهش نشان داد که سیاق، نه تعیین‌کننده یک معنای جدید، بلکه فعال‌کننده یکی از شاخه‌های از پیش موجود در شبکه معنایی واژه است. در سیاق توصیف پدیده‌های طبیعی (سورة كهف)، شاخه انحراف مادی فعال می‌شود و در سیاق‌های اخلاقی، حقوقی و کلامی (سایر آیات)، شاخه انحراف معنوی به کار گرفته می‌شود.

۴. دلالت‌های عمیق اخلاقی و اجتماعی: فهم «زور» به‌مثابه «انحراف»، دلالت‌های اخلاقی و اجتماعی آموزه‌های قرآنی را برجسته‌تر می‌سازد. نهی از «قول الزور» و «شهادت الزور» صرفاً یک دستور اخلاقی ساده نیست، بلکه فراخوانی به پایداری بر مسیر «حق و حقیقت» و اجتناب از هرگونه «انحراف» و کژی در گفتار، کردار و روابط اجتماعی است.

درنهایت، این پژوهش نشان داد که یک تحلیل معناشناختی ساختارمند، ابزاری قدرتمند برای کشف انسجام درونی متن قرآن است. مدل ارائه شده برای واژه «زور» نه‌تنها یک مسئله لغوی را حل می‌کند، بلکه دلالت‌های عمیق‌تری دارد: رویکرد قرآن به مفاهیم اخلاقی و حقوقی، یک رویکرد سیستماتیک و ریشه‌دار است که در آن، هر مفهومی در شبکه‌ای از معانی مرتبط با خود تعریف می‌شود. فهم این شبکه‌های معنایی می‌تواند به استنباط‌های تفسیری، اخلاقی و فقهی دقیق‌تر و منسجم‌تری در دنیای معاصر منجر شود و راه را برای تحلیل‌های مشابه بر روی سایر واژگان کلیدی قرآن هموار می‌سازد.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. ابن درید، محمد بن حسن (۳۲۱ق)، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۴۵۸ق)، المحکم والمحیط الأعظم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۹۸۴م)، التحریر والتنویر، تونس: الدار التونسیة للنشر.
۶. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۷. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابو عبید هروی، قاسم بن سلام (۲۲۴ق)، الغریب المصنفه تونس: الموسسه الوطنیه للترجمة والتحقیق والدراسات.
۹. ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م)، ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم (تفسیر ابی السعود)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد (۳۷۰ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۲. بروسوی، اسماعیل بن مصطفی حقی (۱۱۳۷ق)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۴۲۹ق)، فقه اللغة و سر العربیة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۶. سید قطب (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۷. شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت: شركة مكتبة الالفین.
۸. شیبانی، اسحاق بن مرار (۲۱۰ق)، کتاب الجیم، قاهرة: الهيئة العامة لشئون المطابع الامبریة.
۹. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۳۸۵ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتب.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۱۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
۱۳. عسکری، حسن بن عبدالله (۳۹۵ق)، الفروق فی اللغة، بیروت: دارالافاق الجديدة.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۱۶. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک.

۱۷. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۸۱۷ق)، القاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمية.
۱۸. فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۱۹. قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، محاسن التأویل (تفسیر القاسمی)، بیروت: دارالکتب العلمية.
۲۰. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۲ق)، النکت والعیون (تفسیر الماوردی)، بیروت: دارالکتب العلمية.
۲۱. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۲۲. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرّس الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۲۴. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق)، مدارک التنزیل وحقائق التأویل (تفسیر النسفی)، بیروت: دارالنفائس.
۲۵. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالقلم.

